

# بررسی لزوم اعتبار شرایط شاهد در کارشناس<sup>۱</sup>

ابراهیم ابراهیم‌زاده خلیفه‌محله<sup>۲</sup>

مصطفی رجایی‌پور<sup>۳</sup>

محسن رزمی<sup>۴</sup>

## چکیده

رجوع به کارشناس و خبره در فقه و حقوق در مسائل فنی و تخصصی و کشف حقیقت به‌ویژه در دادرسی دارای اهمیت و ارزش بسیاری بوده تا جایی که نظریه کارشناسی از ارکان اصلی دادرسی به‌شمار می‌رود؛ بنابراین، برای معتبر بودن نظریه کارشناسی، کارشناس باید واجد شرایط خاصی باشد. برخی معتقدند برای معتبر بودن نظریه کارشناس، چه در دادرسی و چه در موارد دیگر، شرایط شهادت از جمله تعدد، عدالت شاهد و ... باید رعایت شود و برخی دیگر اعتبار شرایط شاهد را لازم نمی‌دانند. با توجه به موارد مختلف ارجاع به خبره در ابواب مختلف فقه و حقوق و بررسی شرایط کارشناس و خبره و تبیین ماهیت شهادت و مقایسه کارشناسی با شهادت، می‌توان گفت: ماهیت کارشناسی با شهادت متفاوت است

بررسی لزوم اعتبار  
شرایط شاهد در  
کارشناس

۱۵۷

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۰۹.

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد (نویسنده مسئول)، رایانامه: ebrahimzadeh.313@gmail.com

۳. دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، رایانامه: mostafarajae@yahoo.com

۴. استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، رایانامه: razmi@ninfan.com

و فقط در مواردی که دلیل خاص بر رعایت شرایط شهادت وجود دارد، کارشناس باید شرایط شاهد را دارا باشد. در غیر این صورت، به قول کارشناس مورد وثوق، عمل می‌شود. **کلید واژه‌ها:** کارشناس خبره، کارشناسی، شاهد، اعتبار شهادت.

## مقدمه

امروزه به لحاظ پیشرفت تکنولوژی و گسترش روابط اجتماعی، اقتصادی، تنوع قراردادها و... نظریه کارشناس و خبره در فقه و حقوق در مسائل فنی و تخصصی، به‌ویژه در دادرسی، دارای اهمیت و ارزش بسیاری است و حتی در بسیاری از موارد تخصصی، بدون ارجاع به خبره، صدور حکم ممکن نیست؛ برای مثال، ارجاع به پزشکی قانونی به‌عنوان کارشناس، برای تعیین آرش صدمات وارده و در غیر دادرسی و حتی صدور فتوا نیز باید از نظریه کارشناس بهره گرفت.

کارشناسی «وسیله اقناع وجدان» و «افزودن به علم قاضی» است (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۱۱۸/۲) و در تعیین حق، چه در محاکم و چه غیر از موارد قضایی، نقش بسیار مهمی دارد و اساساً گاه تشخیص حق بدون اظهار نظر کارشناسی غیرممکن است. بنابراین، برای معتبر بودن نظریه کارشناسی، باید کارشناس واجد شرایط خاصی باشد. هدف از این پژوهش، با توجه به جایگاه خبره و کارشناس، به‌ویژه در دادرسی، تبیین شرایط کارشناس و بررسی این شرایط در فقه و حقوق است. حال به این سؤالات باید پاسخ گفت:

آیا ماهیت کارشناسی به دلیل برخی شباهت‌ها، همچون شهادت است و برای معتبر بودن کارشناسی، لزوم رعایت شرایط شاهد در کارشناس شرط است یا ماهیت کارشناسی با شهادت متفاوت است و شرایط شاهد برای کارشناس لازم نیست؟ آیا شرایطی که در قانون برای کارشناس پیش‌بینی شده، کافی است و تا چه اندازه شرایط مطرح شده در فقه، در پرونده‌های حقوقی و کیفری رعایت می‌شود؟ برخی از فقها و حقوقدانان برای معتبر بودن نظر کارشناسی، معتقد به لزوم رعایت شرایط شهادت در کارشناس می‌باشند و بعضی دیگر، اعتبار شرایط شاهد را لازم نمی‌دانند.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵

تابستان ۱۳۹۸

۱۵۸

با توجه به این که در ابواب مختلف فقه، در برخی از موضوعات، شرایط شاهد در کارشناس معتبر دانسته شده و در مواردی نیز قول خبره مورد وثوق مورد پذیرش قرار گرفته و در حقوق از شرایط مذکور در فقه، تنها به وثاقت کارشناس اشاره شده است، در مواردی که دلیل خاص بر لزوم اعتبار شرایط شاهد وجود دارد، باید به آن عمل کرد؛ چه در دادرسی و چه در موارد دیگر، در غیر این صورت، شرایط شاهد در کارشناس لازم نیست. البته امروزه در دادگاه‌ها (چه حقوقی و چه کیفری) به طور کلی، شرایط شاهد در کارشناس رعایت نمی‌شود، حتی در مواردی که در فقه، شرایط شهادت از جمله عدالت و تعدد در خبره لازم دانسته شده است.

بنابراین، برای تبیین موضوع، ابتدا با جست‌وجو در مصادیق و موارد مختلف رجوع به خبره در حقوق و ابواب مختلف فقه، به بررسی و شناسایی شرایط کارشناس و خبره در این موارد پرداخته و پس از آن، ماهیت شهادت و شرایط شاهد، وجوه شباهت و افتراق شهادت با کارشناسی بررسی می‌شود.

## مفهوم‌شناسی

### ۱. خبره

واژه «الخبرة» به معنای «علم به چیزی (دانستن)» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۲۲۷/۴) «علم به دقائق و ریزه کاری‌های امور» (فتح‌الله، ۱۴۱۵، ۱۷۵) و... است و در ادبیات فارسی نیز خبره به معنای «آگاه، مطلع، بصیر» (معین، ۱۳۹۷، ۱۶/۱) و «کارشناس» (عمید، ۱۳۸۹، ۹۹۲/۲؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ۳۶۶۷/۳) آمده و در فقه به صورت ترکیب اضافی «اهل خبره» به کار رفته است که به همان معنای «کارشناس» (دهخدا، ۱۳۷۷، ۳۶۶۷/۳) است؛ یعنی «حاذق در کار، خبره و متخصص» (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۲/۱۷۹۷۱).

### ۲. کارشناس

کارشناس در اصطلاح، شخصی است که به مناسبت خبره بودن در فنی می‌تواند در مسائل مربوط به فن خود به عنوان صاحب نظر اظهار نظر کند (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۴، ۲۹۸۸/۴). کارشناس یا رسمی است یا غیررسمی. کارشناس رسمی شخصی است که با داشتن شرایط مندرج در ماده ۱۵ قانون کارشناسان رسمی دادگستری

(باختر، ۱۳۸۷، ۴۴) موفق به اخذ پروانه کارشناسی شده و موظف به رعایت مقررات مندرج در قانون کارشناسان رسمی و آیین نامه آن و آیین دادرسی می‌باشد. کارشناس غیر رسمی، کسی است که برای اظهار نظر کارشناسی دعوت می‌شود و پروانه کارشناسی نداشته باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ۵۶۴).

### ۳. کارشناسی

کارشناسی عملی است تحقیقاتی که اشخاص صلاحیت داری را به نام کارشناس مأمور می‌کنند تا امر مورد اختلاف را که رسیدگی به آن، اطلاعات فنی خاصی لازم دارد، مورد بررسی قرار دهد و نظر خود را به دادگاه اعلام دارد (صدرزاده افشار، ۱۳۶۹، ۱۶۳).

### موارد ارجاع به کارشناس در حقوق

در حقوق، در موارد تخصصی، موضوع به کارشناس ارجاع داده می‌شود؛ در امور مدنی مانند تعیین قیمت و ارزشیابی اموال منقول و غیرمنقول (مانند تعیین مقدار ارش در صورت معیوب بودن مبیع) (ماده ۴۲۷ ق.م.)، تعدیل اجاره بها (ماده ۴ و ۵ قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۵۶)، ارجاع امر به کارشناس برای تعیین بهای خواسته (منصور، ۱۳۹۳، ۶۳)، تقویم و تعیین بهای عرصه املاک (تبصره ماده ۵ آیین نامه اجرایی؛ ساعت چی، ۱۳۸۵، ۸۹) و ... .

ارجاع به کارشناس در امور ثبتی مانند تفکیک قسمتی از ملک فاقد نقشه (مجموعه محشای بخشنامه‌های ثبتی) تهیه نقشه ملک مورد تحدید (حقوق ثبت اسناد و املاک) اجرای حکم افراز، در قانون ثبت، بند ۳۷۸، تهیه نقشه تفکیکی املاک شهرداری توسط کارشناسان شهرداری (شهری، ۱۳۸۲، ۲۷۳) و ... .

ارجاع به پزشکی قانونی (به عنوان یک مرجع تخصصی) در دعاوی مدنی برای تشخیص جنون، قابل درمان بودن بیماری‌های (عیوب) مجوز فسخ عقود (که در صورت قابل درمان بودن حق فسخ از بین می‌رود) (محقق داماد، ۱۳۸۵، ۶۹۵) و ... در دعاوی کیفری نیز ارجاع به پزشکی قانونی برای تعیین موضوع و میزان آسیب وارده در اثر جنایت، تعیین دیه، ارش و امکان استیفاء قصاص (به تبعیت از فقه)، دارای

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵  
تابستان ۱۳۹۸

۱۶۰

اهمیت بسیار بوده و ضروری است. چنانچه در مواد ۶۴۰، ۵۸۰، ۶۷۱، ۶۷۲ و ۷۲۱ (قانون مجازات اسلامی، ۲۳۲). قانون مجازات اسلامی، تشخیص موضوع را بر عهده خیره (کارشناس) قرار داده است.

از دیگر موارد ارجاع به پزشکی قانونی، ارجاع برای اثبات جرم و مجرمیت و مسئولیت کیفری است؛ برای مثال تعیین تاریخ مرگ و تشخیص علت آن، تشخیص هویت متوفی با انگشت نگاری، تشخیص بیماری صعب‌العلاج محکوم برای توقف اجرای حکم (بهرامی، ۱۳۸۳، ۱۰۹).

### شرایط کارشناس در حقوق

در قانون کارشناسان رسمی برای متقاضیان اخذ پروانه کارشناسی رسمی، علاوه بر وثاقت، شرایطی پیش‌بینی شده است که عبارت است از: «تدین به دین اسلام و یا یکی از اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی و وفاداری به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، داشتن تابعیت ایرانی، نداشتن پیشینه کیفری مؤثر، عدم اعتیاد به مواد مخدر، نداشتن وابستگی و سابقه عضویت و هواداری در گروه‌های غیرقانونی یا مخالف اسلام، داشتن دانشنامه کارشناسی یا بالاتر در رشته مورد تقاضا و حداقل پنج سال سابقه تجربی در رشته مربوط بعد از اخذ مدرک تحصیلی مذکور، دارا بودن حداقل بیست و پنج سال سن در پایان مهلت ثبت نام، موفقیت در آزمون علمی و تجربی و گزینش صلاحیت اولویت‌های اخلاقی، گذراندن دوره کارآموزی و داشتن معافیت یا کارت پایان خدمت و وظیفه عمومی» (ماده ۱۵ قانون کارشناسان رسمی دادگستری).

با صرف نظر از ابهاماتی که در برخی از عبارات وجود دارد (مانند عدم تبیین پیشینه کیفری مؤثر، روشن نبودن عبارت «صلاحیت اولویت‌های اخلاقی» مندرج در بند «ح» و عدم اشاره به جنسیت کارشناس) یکی از عمده‌ترین، اساسی‌ترین و مهم‌ترین شرایطی که در این ماده به آن اشاره شده، وثاقت (مورد اعتماد بودن) است که هم برای کارشناس رسمی و هم کارشناس غیر رسمی باید رعایت شود.

با توجه به بررسی موارد ارجاع به کارشناس و شرایط کارشناس در قانون می‌توان

بررسی لزوم اعتبار  
شرایط شاهد در  
کارشناس

گفت: شرایط شاهد (از جمله عدالت و تعدد) برای کارشناس شرط نیست و وثاقت کارشناس کافی است.

### موارد ارجاع به کارشناس در فقه

در ابواب مختلف فقه و اصول از اظهار نظر کارشناس و خبره استفاده شده است؛ از جمله: در جهت حکم به حلیت، نجاست و حرمت، عبادات، اموال و مالکیت، اشخاص و احوال شخصی، فقه الجزاء، رجوع به لغوی، رجالی، مجتهد و... با مراجعه به ابواب مختلف فقه و اصول و بررسی موارد ارجاع به خبره و کارشناس، می‌توان گفت: در فقه شرایط یکسان و مشخصی برای اهل خبره ذکر نشده و در موضوعات مختلف، شرایط نیز متفاوت می‌شود، به طوری که حتی در هر یک از ابواب فقه نیز شرایط یکسانی برای خبره وجود ندارد، به طور مثال در عبادات گاه ممکن است لزوم رعایت شرایط شاهد در خبره شرط بوده و در مواردی قول خبره واحد مورد وثوق نیز کفایت کند.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵

تابستان ۱۳۹۸

۱۶۲

### شرایط کارشناس در فقه

با توجه به موارد رجوع به خبره، شرایطی در ابواب مختلف فقه و نیز اصول در خصوص خبره و کارشناس مورد بحث قرار گرفته است که در ذیل مورد اشاره قرار می‌گیرد:

#### ۱. اهلیت و کمال

مفهوم کمال در فقه، همان «بلوغ و عقل» است (ارجمند دانش، ۱۳۷۸، ۲۹۱)، اما در اینجا مقصود، همان است که در حقوق از آن به اهلیت استیفا تعبیر می‌شود. عبد یکی از اشخاصی است که به جهت نقصان اهلیت (حجر) از انجام معامله ممنوع است، اما در برخی از موارد مانند تشخیص قبله از روی ادله و امارات (شهید اول، ۱۴۱۷، ۱۵۹)، در کارشناسی تقسیم اموال (شیخ طوسی، ۱۳۷۸، ۱۳۳) و در ترجمه (فاضل هندی، ۱۴۱۸، ۴۰) فقها نظر کارشناسی عبد را پذیرفته‌اند.

## ۲. اسلام و ایمان

مراد از ایمان در معنای عام، اسلام است (قیومی، ۱۴۱۸، ۳۳) و در معنای خاص «اعتقاد به امامت و ولایت ائمه دوازده گانه...، یکی از فرائض و واجبات، بلکه اصل و رکن آنهاست و شرط صحت اصول تمامی عبادت‌ها نیز می‌باشد» (نجفی، ۱۹۸۱، ۶۳۰).

در برخی موارد، اسلام در اهل خیره شرط است؛ برای مثال، برخی برای تشخیص مرض مخوف معتقدند: «باید به پزشکان مسلمان مراجعه کرد نه اهل ذمه. به این جهت که خداوند اهل ذمه را به کذب، خیانت و تحریف وصف کرده است و در اینجا مثل شهادت، عدالت معتبر است» (مروارید، ۱۴۱۰، ۳۳۷).

طبق نظر بعضی فقیهان، در برخی از موارد، اسلام در خیره شرط نیست و عمل به ظن حاصل از قول وی جایز است؛ مانند: تشخیص قبله توسط خبره فاسق یا کافر (شهیداول، ۱۴۱۷، ۱/۱۵۹)، تشخیص ضرر استعمال آب برای وضو با استناد به قول عارف فاسق (بحرانی، بی‌تا، ۲۸۸) اثبات شرایط تحقق رضاع (رویدن گوشت و محکم شدن استخوان به سبب شیر) با استناد به قول اهل خیره واحد و فاسق (موسوی‌بجنوردی، ۱۴۳۰، ۳۵۰) و مراجعه به لغوی (کارشناس لغت) کافر و حتی تقدّم کافر خیره‌تر بر مؤمن (نجفی اصفهانی، ۱۳۵۹، ۵۰۷).

بررسی لزوم اعتبار  
شرایط شاهد در  
کارشناس

۱۶۳

## ۳. عدالت و تعدّد

عدالت ملکه‌ای نفسانی است که موجب برانگیختن به ملازمت تقوا و جوانمردی می‌شود (حسینی‌عاملی، بی‌تا، ۲۵۹). یا عدالت عبارت است از مراقبت بر گناهان بزرگ و ترک اصرار ورزیدن بر گناهان کوچک و رعایت مروّت، مراقبت فوق باید به حد ملکه باشد» (نراقی، ۱۳۷۵، ۳۰۶). البته عدالت ظاهری کفایت می‌کند. برخی معتقدند: ایمان به معنای اخص شرط تحقق عدالت نیست؛ بنابراین، اگر ذمی اعمال خودش را با شرع وفق دهد، می‌تواند عادل باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴، ۸۰۵).

برای تشخیص موضوعات ذیل، هنگامی می‌توان به خیره و کارشناس رجوع کرد که عدالت و تعدّد در ایشان رعایت شود: در مترجم (محقق‌حلی، ۱۴۰۹، ۴/۸۷۵) البته

برخی از فقها رجوع به مترجم ثقة واحد غیر عدل را کافی می‌دانند؛ منجمانی که خبر به مدت مکث در کسوف می‌دهند که در این مدت، می‌توان نماز را به صورت ادا اقامه کرد (نجفی، ۱۳۶۲، ۴۰۴)، تشخیص مرض مخوف (بیماری سختی که به مرگ منجر می‌شود و وصیت در حین آن باطل است) (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ۵۲)؛ اثبات عیوب جذام و برص در زن که مجوز فسخ نکاح است (بحرانی، بی‌تا، ۳۵۸)؛ هنگام تردید در تعیین کفاره صید که باید شبیه حیوان صید شده باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ۵۲/۲)؛ اثبات شرایط تحقق رضاع (رویدن گوشت و محکم شدن استخوان به سبب شیر (نراقی، ۱۳۷۵، ۱۵۶). البته برخی معتقدند رضاع به قول اهل خبره ثقة و مورد اطمینان ثابت می‌شود (زین‌الدین، بی‌تا، ۶۰)؛ اثبات اجتهاد یا علمیت مجتهد (البته به نظر برخی فقها اثبات اجتهاد علمیت با شهادت عدل واحد بعید نیست) (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۷، ۲۱)؛ مقوم (کارشناس تعیین قیمت) (نجفی، ۱۹۸۱، ۲۹۰) (کرکی، (المحقق الثانی)، ۱۴۰۸، ۱۶۳/۶) برخی معتقدند واحد بودن مقوم کفایت می‌کند، به شرط امین بودن و مورد اعتماد بودن، قاسم (کارشناس تقسیم اموال) منصوب از جانب امام علیه السلام عدالت شرط است (محقق بحرانی، بی‌تا، ۱۷۸) و قسمت متوقف بر تقویم (مطلقاً چه قاسم منصوب از جانب امام باشد یا تعیین شده با تراضی طرفین) (محقق بحرانی، ۱۳۶۳، ۱۷۸/۲۱).

#### جستارهای فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵  
تابستان ۱۳۹۸

۱۶۴

تشخیص از بین رفتن حسّ چشایی (خمینی، ۱۳۹۰، ۵۹۲/۲)؛ تشخیص از دست دادن حسّ بویایی (احتیاط در عدالت و تعدد است)؛ تشخیص از بین رفتن حسّ شنوایی (شیخ طوسی، بی‌تا، ۱۲۵/۷) (احتیاط در تعدد و عدالت متخصص است)، (خمینی، ۱۳۹۰، ۵۸۹/۲)؛ تشخیص از بین رفتن نور چشم (محقق حلی، ۱۴۰۹، ۱۰۴۰/۴)؛ زوال عقل (علامه حلی، ۱۴۱۹، ۶۸۴/۳). طبق نظر امام خمینی بنابر احتیاط، هم عدالت معتبر است و هم این که باید دو نفر باشند (خمینی، ۱۳۹۰، ۵۸۸/۲) و سقط جنین (فاضل هندی، ۱۴۱۸، ۶۶۸/۷-۶۲۳).

در موارد ذیل اکتفا به خبره واحد کفایت می‌کند:

تشخیص قبله (شهید اول، ۱۴۱۷، ۱۵۹/۱)؛ تشخیص ضرر روزه (علامه حلی، ۱۴۲۰، ۲۶۹/۵)؛ در هنگام شک در حیات یا موت طفل تازه به دنیا آمده برای ارث (علامه حلی، ۱۴۲۰، ۲۴۴/۶) اثبات کسوف و خسوف، (طباطبایی حکیم، ۱۴۰۴، ۴۱/۷)؛ تخمین مقدار میوه نخل



و انگور برای پرداخت زکات (طوسی، بی تا، ۱۳۳/۸-۱۳۴)؛ تشخیص ضرر آب برای وضو (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۳۴/۳) و قاسم (کارشناس تقسیم اموال) (شیخ طوسی، بی تا، ۱۳۳/۸).

#### ۴- وثاقت

وثاقت به معنای «موثق بودن و طرف وثوق (اطمینان) مردم بودن» (معین، ۱۳۷۱، ۴۹۷/۴)، یکی از شرایط اهل خبره (کارشناس) است. برخی وثاقت را در معنای عدالت به کار برده‌اند (طوسی، بی تا، ۱۳۳/۸-۱۳۴). مواردی که در خبره (کارشناس) شرط وثاقت شده، عبارت است از: تشخیص داخل شدن وقت با اذان مؤذن ثقة عارف (صدر، بی تا، ۲۸۹/۱)؛ تشخیص مثلی و قیمی (زین‌الدین، ۱۴۱۳، ۱۰۲/۷)؛ حکم به نجاست و حرمت عصیر (حسینی‌خامنه‌ای، ۱۴۱۵، ۱۹۲/۱)؛ تشخیص مضر بودن روزه (فیاض، ۱۴۱۰، ۴۱۴/۱)؛ تشخیص حمل در تصدیق ادعای زن مطلقه به وجود حمل (خمینی، ۱۴۳۴، ۳۱۵/۲)؛ تشخیص حوامل (شهید ثانی، ۱۳۹۸، ۱۷۷/۱۰)؛ تعیین میقات حج جهت احرام بستن (تبریزی، ۱۴۱۶، ۲۰۴/۲)؛ تحقق رضاع (زین‌الدین، ۱۴۱۳، ۱۶۰/۷)؛ آگاهی از قیمت برای مغبون نشدن (علامه حلی، ۱۴۱۰، ۵۲۰/۲)؛ تشخیص اجتهاد (موسوی گلپایگانی، بی تا، ۳/۱)؛ معالجه با مضرّ به تشخیص پزشکان حاذق و مورد اطمینان (زین‌الدین، ۱۴۱۳، ۳۵۹/۶)؛ تقویم (یک مقوم به شرط مورد اطمینان بودن معتبر است و رعایت شرایط شهادت نزدیک به احتیاط است)، (خمینی، ۱۴۳۴، ۵۳۰/۱)؛ تقویم ابنیه و اشجار (زین‌الدین، ۱۴۱۳، ۱۰۲/۷) و در رجالی (کارشناس علم رجال) (مجتهد تبریزی، بی تا، ۹۱).

امکان استیفای قصاص با تشخیص دو ثقة اهل خبره (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ۷۹/۷)؛ تشخیص از بین رفتن حسّ شنوایی که احتیاط در تعدّد و عدالت است (خمینی، ۱۳۹۰، ۵۸۹/۲) و تشخیص حوامل (خمینی، ۱۳۹۰، ۵۸۹/۲).

#### ۵- عدم اتهام

عده‌ای از فقها که معتقدند در برخی از موارد، اظهار نظر خبره از باب شهادت است، عدم اتهام را علاوه بر تعدّد و عدالت شرط می‌دانند. عدم اتهام به این معناست که اظهار نظر خبره در جهت جلب منفعت شخصی و یا دفع ضرر از خود نباشد و

بررسی لزوم اعتبار  
شرایط شاهد در  
کارشناس

مقصود از تهمت، تهمت شرعی است، نه عرفی (نجفی، ۱۹۸۱، ۶۱/۴۱)؛ برای مثال، در مقوم، شهید اول عدم اتهام را علاوه بر ذکوریت، عدالت و معرفت به قیمت، شرط دانسته است (عاملی، ۱۴۱۷، ۲۸۸/۳). محقق ثانی نیز نظر ایشان را به دلیل این که مقوم را شاهد می‌داند، تأیید کرده است (محقق ثانی، ۱۴۱۴، ۳۳۳/۴).

### ۵- جنسیت (مذکر یا مؤنث بودن)

در فقه در برخی از موارد و بیشتر امور مخصوص به زنان، اظهار نظر خبره زن مورد پذیرش و استناد قرار گرفته است؛ از جمله قول قابله حاذق و مورد وثوق در اثبات حمل برای مطلقه به طلاق بائن تا نفقه به او تعلق بگیرد (خمینی، ۱۳۹۰، ۳۱۵/۲)؛ شهادت قابله به متولد شدن طفل (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۶، ۳۰۸)؛ شهادت چهار زن قابله به حامله بودن زنی که هنگام قصاص مدعی حمل است (خمینی، ۱۳۹۰، ۵۳۸/۲-۵۳۹) و در مواردی چون از بین رفتن نور دو چشم، تصدیق مدعی به دو شاهد یا یک شاهد مرد و دو زن از اهل خبره ممکن است (مرورید، ۱۴۱۰، ۴۹۵/۴).

البته در برخی از موارد نیز مانند مقوم بنابر نظر برخی از فقها (مرورید، ۱۴۱۳، ۴۹۵/۴) بر «ذکوریت خبره» تأکید شده و ظاهراً نمی‌توان به خبره زن مراجعه کرد.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵  
تابستان ۱۳۹۸

۱۶۶

### ۶- موارد مورد اختلاف

یکی از این موارد، اختلاف در اثبات هلال ماه قمری با قول اهل خبره (منجمان) یا شهادت عدلین از طریق رؤیت است. برخی معتقدند در اثبات هلال ماه قمری دو شاهد عادل واجب است و با شهادت یک خبره عادل، نیت ماه رمضان جایز نیست (علامه حلی، ۱۴۱۴، ۲۰/۶). اما به نظر برخی دیگر، حتی اگر منجمان اعلام کنند که با تلسکوپ رؤیت هلال امکان دارد، فقیه با اطمینان از قول ایشان می‌تواند طبق آن عمل کند (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ۱۶۰/۱).

اکثر فقها در مترجم، شهادت به شرط تعدد و عدالت را معتبر می‌دانند، اما برخی معتقدند مترجم ثقه اگر واحد عدل باشد، کفایت می‌کند (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۸۷۵/۴). تشخیص کسوف و خسوف و مدت مکث با استناد به نظر منجمان ممکن

است (نجفی، ۱۹۸۱، ۴۰۴/۱۱)، ولی برخی معتقدند رجوع به اهل خبره اختصاص به امور حدسیه دارد نه حسیه (طباطبایی حکیم، ۱۳۹۱، ۴۱/۷).

در تحقیق رضاع، برخی از فقها معتقدند اقوی آن است که آنچه در شهادت از عدد و عدالت معتبر است، در اهل خبره نیز معتبر باشد... (آل بحر العلوم، ۱۴۰۳، ۱۶۲/۳). اما به نظر برخی دیگر تعدد و عدالت شرط نیست و بین قول اهل خبره و شهادت تفاوت قائل شده و حتی قول واحد و فاسق بلکه کافر به جهت بنای عقلا در رجوع به اهل خبره و عدم منع شارع از بنای عقلا، حجت است (موسوی بجنوردی، ۲۴۹/۴-۲۵۰).

در تشخیص عیوب مجوز فسخ نکاح، برخی از فقها عدالت را در اهل خبره شرط می‌دانند (محقق بحرانی، بی‌تا، ۳۵۸/۲۴؛ محقق ثانی، ۱۴۰۸، ۲۳۶/۱۳)، اما شهید ثانی در مسالک بدون ذکر عدالت می‌فرماید: ((به دو پزشک خبره مراجعه می‌شود)) (شهید ثانی، ۱۴۱۷، ۱۱۳/۸).

در حجیت قول لغوی (کارشناس لغت)، برخی قدر متیقن از رجوع به لغوی را جایی می‌دانند که رجوع به لغوی با شروط شهادت از جمله تعدد و عدالت همراه باشد (آخوند خراسانی، ۱۴۱۵، ۳۳۰؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۹، ۷۵/۱). اما برخی معتقدند قدر متیقن، مورد حصول وثوق و اطمینان است (خویی، ۱۴۳۹، ۹۶/۲). جمع بین این دو نظر آن است که قدر متیقن از رجوع به لغوی در جایی است که از قول وی اطمینان حاصل شود و جمع بودن شرایط شهادت از جمله تعدد و عدالت، یکی از راه‌های حصول اطمینان می‌باشد.

## جمع‌بندی

در حقوق، از شرایطی که در فقه ذکر شد، در امور مدنی فقط به وثاقت کارشناس (در بیان شرایط کارشناسان رسمی) اشاره شده و در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (در فصل پنجم - بخش دوم مربوط به معاینه محل و کارشناسی) تنها به لزوم استفاده از نظر کارشناس (پزشک، داروساز، مهندس و ارزیاب)، بدون ذکر شرایط اکتفا شده است. در قانون مجازات اسلامی نیز در کتاب دیات، (مواد

بررسی لزوم اعتبار  
شرایط شاهد در  
کارشناس

۱۶۷

۴۶۱، ۵۸۰، ۶۴۰، ۶۷۱ و ۷۲۱) فقط به مورد وثوق بودن کارشناس اشاره شده و در خصوص شرایطی چون عدالت و تعدد مطلبی ذکر نشده است. البته طبق ماده ۴۴۸ قانون مجازات اسلامی سابق (مصوب ۱۳۷۰)، در خیره‌ای که مرجع تشخیص زوال عقل یا نقصان باشد، می‌بایست تعدد و عدالت رعایت شود که ظاهراً در قانون جدید این شرط منتفی است.

در فقه نیز چنان که گفته شد، به‌طور پراکنده در ابواب مختلف فقه، شرایطی برای خبره و کارشناس ذکر شده که به اختلاف موارد، متفاوت است؛ برای مثال، در باب اموال و مالکیت، برخی عدالت و تعدد را در مقوم (کارشناس تعیین قیمت) شرط دانسته، اما بعضی دیگر رجوع به مقوم واحد، به شرط امین و مورد اعتماد بودن را جایز می‌دانند یا برای تشخیص مرض مخوف، باید به پزشک مسلمان عادل رجوع کرد، اما تشخیص ضرر استعمال آب برای وضو، استناد به قول عارف فاسق نیز ممکن است یا در عبادات، برای تشخیص قبله به خبره فاسق یا کافر می‌توان رجوع کرد. چنان که ملاحظه می‌شود، نمی‌توان با قاطعیت یک قاعده کلی مانند اعتبار شرایط شهادت یا وثاقت را در یک باب و موضوع جاری دانست. حتی در بعضی از موارد بدون رعایت شرایطی چون تعدد، عدالت و حتی اسلام می‌توان به ظن حاصل از قول اهل خبره عمل کرد. البته در برخی از موارد به‌طور مطلق به ظن عمل می‌شود؛ مانند تشخیص مفتوح‌العنوه بودن زمین برای پرداخت زکات (آل بحرالعلوم، ۱۴۰۳، ۱/۲۴۷)؛ تشخیص وسعت وقت توسط اهل خبره جهت خواندن سوره‌های طولانی در نماز آیات، (شهید ثانی، ۱۳۹۸، ۱/۶۸۲)؛ انتفای ضرر (چنانچه قول خبره مفید ظن باشد به آن عمل می‌شود، حتی در مواردی تصریح شده که به ظن حاصل از قول فاسق یا کافر نیز می‌توان عمل کرد) و تحقق رضاع (موسوی‌بجنوردی، ۱۳۷۷، ۴/۳۵۰)؛ تشخیص قبله (ر.ک: شهید اول، بی‌تا، ۱/۱۵۹؛ قمی، بی‌تا، ۱/۲۶۴؛ سیستانی، بی‌تا، ۲/۳۲-۳۳). داخل شدن وقت؛ ضرر داشتن آب برای وضو و ضرر داشتن روزه.

در صورتی که در مواردی، در صورت عدم امکان تحصیل علم و تعذر می‌توان به ظن حاصل از قول فاسق یا کافر عمل کرد؛ مانند: تشخیص قبله (شهید اول، بی‌تا، ۱/۱۵۹)؛

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵  
تابستان ۱۳۹۸

۱۶۸

داخل شدن وقت<sup>۱</sup> (همدانی، بی تا، ۷۰/۲) و محاذات (مکان محاذی یکی از میقات‌های پنج گانه احرام)<sup>۲</sup> (موسوی خویی، ۱۳۶۴، ۳۷۲/۲).

درباره اظهار نظر کارشناسی زن، باید گفت: در مواردی که گفته شده شاهد، خبره باشد، اهل خبره شهادت دهند یا باید قواعد باب شهادت رعایت شود، اظهار نظر خبره زن به تنهایی کافی نیست و باید خبره مرد نیز به آن ضمیمه شود و چنان که گذشت، شهادت قابله گرچه به تنهایی کفایت می‌کند، این یک حکم استثنایی است. اما در مواردی که بر مرد بودن یا زن بودن خبره تأکید نشده است، زن بودن موضوعیتی ندارد و منعی برای اظهار نظر تخصصی زن یا مرد نیست.

### وجوه افتراق و تشابه شهادت با کارشناسی

بینه به معنای اخص یا شهادت معتبر شرعی در فقه به معنای خبر دادن شخص عادل به حاکم است به آنچه که می‌داند و لو این که به یک امر کلی باشد تا حاکم (قاضی) به مقتضای شهادت حکم کند و این شهادت منوط بر تقدّم بر دعوا نیست. مثل آنجایی که افراد عادل به رؤیت ماه شهادت می‌دهند تا به ثبوت آن حکم شود» (نجفی، ۱۹۸۱، ۶۰۷/۲). در حقوق نیز در تعریف شهادت آمده است: «شهادت، عبارت است از اخبار غیرمتخصص اصالتاً از روی علم شخصی به حق جزئی یا امر شرعی جزئی... بر نفع غیر بدون ضرر بر خویشان، به قصد شرکت در احقاق حق یا انجام دادن یک وظیفه شرعی در خصوص مورد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ۷۹۰/۲-۷۹۱). با این تعریف نظر کارشناس و مترجم از تعریف شهادت خارج می‌شود.

بررسی لزوم اعتبار  
شرایط شاهد در  
کارشناس

۱۶۹

### شرایط شاهد در شهادت

شرایط شاهد نزد فقها به قرار ذیل است:

۱. رجوع به اهل خبره در صورتی که مکلف خودش متمکن از تحصیل علم باشد مشکل است خصوصاً اگر قول خبره مفید اطمینان فعلی نباشد (همدانی، بی تا، ۷۰/۲).

۲. اگر امکان حصول علم به محاذات وجود داشته باشد، تحصیل علم لازم است و الا ظن حاصل از قول اهل خبره کفایت می‌کند (خویی، ۱۳۶۴ ه.ش: ۳۷۲/۲).

۱. بلوغ؛ شهادت اطفالِ ممیز با شرایطی پذیرفته شده است (خمینی، ۱۳۹۰، ۴۴۱/۲).
۲. عقل؛ شهادت دیوانه، حتی دیوانه ادواری، در حال دیوانگی قبول نمی‌شود. (همان، ۱۳۹۰، ۴۴۲/۲).

۳. ایمان؛ ایمان یا همان اسلام، شهادت غیرمسلمان (چه کافر حربی و چه ذمی علیه مسلمان یا له او (به نفع او)، پذیرفتنی نیست (همان، ۱۳۹۰، ۴۴۲/۲).

۴. عدالت

در تمام مواردی که با گواهی شاهد اثبات می‌شود، عدالت شرط است، اما مرحوم خوانساری معتقد است آیات و روایات، دلالتی بر عدالت در همه شهادت‌ها اعتبار ندارد و اعتبار عدالت در شهادت به صورت مطلق، مسامحه است (ر.ک: خوانساری، ۱۴۰۵، ۱۰۶/۶).

۵. رعایت مروّت

برخی از فقها رعایت مروّت را لازم دانسته (ر.ک: شهیداول، ۱۴۱۷، ۱۲۵/۲) و برخی لازم نمی‌دانند (ر.ک: محقق اردبیلی، ۱۴۱۱، ۳۱۴/۱۲).

۶. طهارت مولد

۷. انتفای تهمت

تهمت به دو طریق جلب منفعت و دفع ضرر ممکن است: عداوت دنیوی یکی از مواردی است که هر دو احتمال در آن می‌رود.

۸. تعدّد شاهد

تعدّد شاهد به موضوع مورد شهادت بستگی دارد. به‌طور مثال، در شهادت بر جرایم مستوجب حد مانند زنا، گواهان باید چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل باشند، اما در سرقت تنها دو شاهد عادل لازم است.<sup>۱</sup>

در غیر از دعاوی همچون عبادات (مانند اثبات هلال ماه) شهادت دو شاهد

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵

تابستان ۱۳۹۸

۱۷۰

۱. در دعاوی مدنی نیز تعداد شهود و جنسیت آن‌ها در ماده ۲۳۰ آیین دادرسی مدنی ذکر شده است: «... الف- اصل طلاق و اقسام آن، رجوع در طلاق و نیز دعاوی غیرمالی از قبیل مسلمان بودن، بلوغ، جرح و تعدیل، عفو از قصاص، وکالت، وصیت با گواهی دو مرد. ب- دعاوی مالی یا آنچه که مقصود از آن مال می‌باشد از قبیل دین، ثمن بیع، معاملات، وقف، اجاره، وصیت به نفع مدعی، غضب، جنایات خطایی و شبه‌عمد که موجب دیه است. ج- دعاوی که اطلاع از آن‌ها معمولاً در اختیار زنان است از قبیل ولایت، رضاع، بکارت عیوب درونی زنان با گواهی چهار زن، دو مرد یا یک مرد و دو زن. د- اصل نکاح با گواهی دو مرد یا یک مرد و دو زن».

عادل کفایت می‌کند. قدر مسلم آن است که رعایت شرط تعدد در شاهد در تمام موارد الزامی است. تنها در یک مورد به‌طور استثنایی - به جهت این که در روایت ذکر شده - شهادت یک زن پذیرفته شده است: «... قول قابله در یک چهارم میراث مستهلل (نوزادی که تازه به دنیا آمده) پذیرفته می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰۱/۳۲۱).

#### ۹. جنسیت

در مواردی، شهادت زنان به همراه مردان پذیرفته شده است و در مواردی مانند وصیت نیز اثبات دعوی، تنها با گواهی دو مرد ممکن خواهد بود. شهادت زنان به تنهایی نیز در مسائلی که عادتاً زنان از آن آگاه می‌شوند، پذیرفته می‌شود (ر.ک: نراقی، ۱۴۱۵، ۱۸/۳۰۱): برای مثال، شهادت دو زن در تولد طفل و حتی شهادت قابله به تنهایی جایز دانسته شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰۱/۳۲۲).

### شرط تحقق شهادت

شرط تحقق شهادت آن است که شاهد به آنچه شهادت (خبر) می‌دهد، علم داشته باشد. منشأ و اخبار علم شاهد، یا حس است یا امر قریب به حس یا حدس. امر حسی، مانند شهادت به مضاف یا مطلق بودن آب با دیدن. دلیل اشتراط حسی بودن علم شاهد، روایتی از پیامبر ﷺ است که می‌فرماید: «آیا خورشید را می‌بینی؟ این گونه شهادت بده یا رها کن» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۸/۲۵۱).

مقصود از امر قریب به حس آن جایی است که واسطه غیرحسی در طریق علم به واقع وجود داشته باشد و این واسطه از سنخ امری است که برای عامه مردم موجب علم می‌شود؛ مانند تواتر (حائری، ۱۳۸۱، ۴۲۸؛ موسوی‌بجنوردی، ۱۳۷۷، ۳/۲۳).

اگر منشأ علم شاهد حدس و نظر باشد، اکثر فقها این علم را برای ادای شهادت معتبر ندانسته‌اند. در این صورت، اخبار اهل خبره که از روی حدس و نظر خبر می‌دهد؛ داخل در شهادت نیست؛ برای مثال، مرحوم خوانساری قبول شهادت مستند به حدس و ظن حاصل از بعضی از قراین را در از بین رفتن نور چشم، محلّ تأمل دانسته است (ر.ک: خوانساری، ۱۴۰۵، ۶/۲۵۶).

البته برخی از فقها معتقدند علم از هر طریق و سببی که برای شاهد حاصل شده

باشد، کفایت می‌کند.<sup>۱</sup>

## شباهت و تفاوت کارشناسی با شهادت

### ۱. شباهت‌ها

برخی از وجوه شباهت شهادت و کارشناسی به شرح ذیل است:

- ۱- همان‌طور که شهادت، اخبار از واقع است، کارشناسی نیز از جنس اخبار است.
- ۲- احراز جهات رد در شاهد (مانند وجود انتفاع شخصی در اثر ایجاد قرابت) قبل از صدور حکم، گواهی را بی‌اعتبار می‌کند. در کارشناسی نیز احراز جهات رد از سوی دادگاه، موجب بی‌اعتباری نظریه کارشناسی می‌شود.
- ۳- تشخیص ارزش و تأثیر گواهی و تطبیق نظریه کارشناسی با واقعیت با دادگاه است که گاه موجب علم قطعی و یقینی دادرس شده و گاه موجب ظن غالب یا علم عادی می‌شود.

### ۲. تفاوت‌ها

برخی از وجوه تفاوت شهادت و کارشناسی به شرح ذیل است:

- ۱- تفاوت عمده کارشناسی و شهادت در آن است که شهادت غالباً اخبار از طریق یکی از حواس پنج‌گانه است، اما کارشناسی و قول اهل خبره متضمن اعمال نظر و حدس خبره می‌باشد (ر.ک: کاظمی خراسانی، ۱۴۰۶، ۳/۱۴۲): بنابراین، اگر شاهد در شرح ما وقع، استنباط خود را نیز بیان کند، مورد توجه دادگاه قرار نمی‌گیرد، اما کارشناس بر مبنای تخصص و قراین علمی و فنی استنباط و اظهار نظر می‌کند؛ و اگر به‌جز بیان استنباطات، محسوسات خود را نیز بازگو می‌کند، با بیان محسوسات از سوی شاهد متفاوت است؛ زیرا کارشناس با استفاده از تخصص و تجربه نشانه‌هایی را می‌بیند که مورد توجه و اعتنای دیگران واقع نمی‌شود و از روی همان نشانه‌ها

### جستارهای

### فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵  
تابستان ۱۳۹۸

۱۷۲

۱. امام خمینی در تحریرالوسیله می‌فرماید: «معیار در باب شهادت آن است که از روی علم و یقین باشد و شرط نیست علم به یکی از حواس ظاهری مستند باشد، بلکه کافی است که از روی علم و یقین باشد؛ از هر راهی که به‌دست آمده باشد» (خمینی، بی‌تا، ۲/۴۴۵).



نتیجه گیری می کند.

۲- شهادت یکی از دلایلی است که به طور مستقیم، موضوع مورد ادعا را ثابت می کند، اما کارشناسی ممکن است به طور مستقیم به دعوی مربوط نباشد، بلکه برای ارزیابی سایر ادله یا رسیدن به آنها باشد.

۳- قصد شاهد از شهادت غالباً اخبار به نفع دیگری است، در حالی که در کارشناسی، کارشناس بدون در نظر گرفتن نفع طرفین دعوی اظهار نظر تخصصی می کند.

۴- در شهادت، در صورت تغییر قاضی پرونده به دلیل (فوت، عزل شدن قاضی و...)، استماع شهادت شهود باید مجدداً تکرار شود و به شهادت پیشین در نزد قاضی نخست، نمی توان استناد کرد. اما در کارشناسی این چنین نیست. در صورت ادامه رسیدگی توسط قاضی دیگر، نیازی به اخذ مجدد نظر کارشناسی نیست و می توان نظریه کارشناسی قبلی را مورد استناد قرار داد؛ زیرا در شهادت، احراز شرایط شاهد و اتیان سوگند برای ادای شهادت باید توسط قاضی رسیدگی کننده به پرونده انجام شود و گواهی یادشده تنها برای وی معتبر و حجت است و قاضی جدید نیز با استماع مجدد شهادت، باید به اقتناع وجدانی برسد. اما در کارشناسی نه نیازی به اتیان سوگند است و نه احراز شرایط کارشناس با دادگاه (قاضی)، پس کارشناسی تکرار نمی شود.

۵- اگر شاهد برخلاف واقع شهادت دهد، مرتکب جرم «شهادت کذب» می شود و به مجازات آن محکوم است؛ اما اگر کارشناس در اعلام نظر خود صداقت را رعایت نکند و برخلاف واقع، نظر داده باشد، مشمول مجازات «شهادت کذب» نمی شود و تنها ممکن است از نظر انتظامی تحت تعقیب قرار گیرد.

بررسی لزوم اعتبار  
شرایط شاهد در  
کارشناس

۱۷۳

### اعتبار شرایط شهادت (تعدد و عدالت) در خبره و کارشناس

چنان که گذشت، برای معتبر بودن نظر کارشناس، برخی از فقها و حقوقدانان، قائل به اعتبار شرایط شاهد در کارشناس هستند و بعضی دیگر ماهیت کارشناسی را با شهادت متفاوت می دانند و شرایط شاهد را، در کارشناس لازم نمی دانند. ابتدا به بررسی اقوال مختلف و ادله آنها و سپس نظر منتخب ارائه می شود.

## ۱. لزوم شرایط شهادت در اهل خبره

گروهی از فقیهان حجیت کارشناسی را از باب بیّنه به معنای اخص (شهادت) دانسته، نظر اهل خبره را در صورتی معتبر می‌دانند که تعدد و عدالت در آن‌ها رعایت شود (ر.ک: اصفهانی، ۱۴۱۹، ۴۸۸؛ خویی، ۱۳۶۹، ۱۳۴/۲؛ حسینی یزدی فیروزآبادی، ۱۳۸۴، ۱۳۹/۳). آخوند و شیخ انصاری قدر متیقن از اتفاق عقلا را در رجوع به اهل لغت و اهل فن در مواردی می‌دانند که شرایط شهادت از جمله تعدد و عدالت و... جمع باشد (ر.ک: آخوند، ۱۴۱۵، ۳۲۹/۱؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۹، ۷۵/۱). دلیل این رأی آن است که شارع ادله اثبات دعوی را به صورت حصری بیان کرده<sup>۱</sup> که بیّنه به معنای اخص یا شهادت یکی از این ادله است و چون در کلام شارع به کارشناسی اشاره نشده، باید آن را در زمره شهادت قرار داد.

برخی از حقوقدانان نیز در دادرسی و قضاوت، حجیت کارشناسی را از باب بیّنه دانسته، معتقدند چنانچه موضوع کارشناسی دعوا باشد، شرایط شهادت باید رعایت شود در حکم شماره ۸۸۵-۱۷/۴/۱۵ و ۱۳۵-۱۶/۱/۲۵ شعبه ۲ دادگاه کیفری چنین آمده است: «... عقیده اهل خبره در اموری که اعمال نظر خبروی لازم است، در حکم شهادت محسوب و ناچار باید غیر از هیئت حاکمه باشد». برخی نیز معتقدند: «تحقیقات و معاینات (متخصصان) درباره شخص متهم، شهادت تلقی می‌شود نه کارشناسی و اگر برای ادای توضیح به جلسه دادرسی دعوت شوند، قسم شهادت یاد خواهند کرد» (باقرپور، علی، ۱۳۸۲، ۳۰-۱۰۶/۳۱)، اما در غیر دادرسی و قضاوت، بعضی از حقوقدانان عدالت و اسلام در کارشناس را شرط ندانسته و وثاقت را کافی می‌دانند (شکاری، ۱۳۸۱، ۱۰۶).

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵

تابستان ۱۳۹۸

۱۷۴

۱. البته در احصای ادله اختلاف نظر وجود داشته و به سه دسته از روایات استناد شده است: ۱- ادله دعوی فقط بیّنه و یمین است. دلیل این مطلب ظاهر روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که می‌فرماید: «من بین شما فقط با بیّنه‌ها و سوگندها قضاوت می‌کنم» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۶۹/۱۸). ۲- ادله اثبات دعوا در روایت مرسله یونس احصا شده است: «شهادت دو مرد عادل، یا یک مرد عادل و دو زن عادل، اگر دو زن عادل نباشد به شهادت یک مرد عادل و سوگند مدعی، و چنانچه شاهدی نباشد با سوگند مدعی علیه و اگر مدعی علیه سوگند یاد نکرده و آن را به مدعی رد نمود، بر مدعی واجب است که سوگند یاد کند و حق خود را بگیرد و اگر امتناع کرد و قسم نخورد، چیزی برای وی ثابت نمی‌گردد». (کلینی، ۱۴۰۷، ۷/۴۱۶). ۳- در روایت دیگری نیز آمده است: «تمام احکام مسلمانان بر سه امر استوار است: شهادت عادل، سوگند قاطع، سنت جاریه یا تمه هدی» (ابن بابویه قمی، ۱۳۶۲، ۱/۱۵۵).

## ۲. عدم اعتبار شرایط شهادت در اهل خیره

فقیهان معیارهایی برای تشخیص شهادت از کارشناسی بیان کرده‌اند از آن جمله، حدسی بودن اخبار اهل خیره: شهادت اخبار از حس و یا امر قریب به حس می‌باشد، اما اخبار کارشناس از روی حدس و نظر است؛ بنابراین، خبر کارشناس از نظر کارشناسی خود در موضوع مورد تخصص، شهادت به‌شمار نمی‌رود و شرط پذیرش آن عدالت و تعدد نیست (نراقی، ۱۳۷۵، ۸۱۶؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ۲۳/۳-۲۴).

تخصصی و فنی بودن موضوعات ارجاعی به اهل خیره: برخی از فقها معتقدند اخبار اهل خیره از رأی خویش در موضوعی که به تخصص او مربوط است، از باب شهادت نیست؛ لذا تعدد و عدالت در او معتبر نیست (موسوی بجنوردی، ۲۳/۳).

بنابر نظر عدم اعتبار شرایط شهادت در نظر اهل خیره، حجیت قول اهل خیره از باب پذیرش قول ثقة است و قول فرد مطلع مورد وثوق پذیرفته است، هر چند یک نفر یا کافر باشد، مگر این که دلیلی خاص بر عدم پذیرش آن و اعتبار عدالت و تعدد (دو یا بیشتر بودن) در اهل خیره وجود داشته باشد، چنانکه در باب قضا و دعاوی وجود دارد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۵، ۷۶۶/۲).

برخی از حقوقدانان نیز به صراحت ماهیت کارشناسی را از شهادت متمایز دانسته، معتقدند با توجه به تعریف شهادت قطعاً کارشناسی از مظاهر شهادت نیست؛ لذا در موارد نیاز، نظر کارشناس غیرمسلمان در دعوی مسلمان حجت است. نظر مؤلفانی که تصور کرده‌اند کارشناسی از باب شهادت حجت است و نظر غیرمسلمان بر مسلمان فقط در مورد وصیت قابل قبول است نه در مورد کارشناسی، پذیرفتنی نیست (جعفری لنگرودی، بی تا، ۱۰۰۳/۲).

دلیل تمایز ماهیت کارشناسی از شهادت آن است که اولاً با وجود مشترک بودن کارشناسی و شهادت در جوهر، اوصاف و اعراض این دو با یکدیگر متفاوت است و قیاس دو مفهوم زمانی ممکن است که چنین تفاوتی وجود نداشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۱۱۵/۲). برای مثال، در قانون آیین دادرسی مدنی به همین دلیل میان کارشناسی و شهادت و نیز آیین تحقیق از گواهان با دعوت از کارشناسان، تمایز گذاشته شده است.

ثانیاً: چون رجوع جاهل به عالم منطبق بر شیوه عقلاست، در قضاوت و غیرقضاوت عقلا تفاوتی قائل نیستند؛ بنابراین، بهتر است که تعدد، عدالت و سایر اوصاف را شرط ندانیم مگر همان شرایطی که در قانون شرط است و بعید است که در محاکم کیفری هم مورد دعوی را به دو کارشناس عادل ارجاع بدهند؛ همین قدر که مورد وثوق باشد، اکتفا می‌کند (شکاری، ۱۳۸۱، ۱۰۱).

### نتیجه‌گیری

حاصل آن که در فقه شرایط کارشناس در موارد مختلف ارجاع، متفاوت است و شرایط مشخص و یکسانی برای خبره پیش‌بینی نشده است و در حقوق نیز از شرایط مذکور در فقه، تنها به وثاقت کارشناس اشاره شده است. با توجه به این موضوع و مقایسه کارشناسی با شهادت و بررسی نظرات مختلف، به‌طور مطلق نمی‌توان یک قاعده کلی را مانند اعتبار شرایط شهادت در کارشناس در همه موارد به‌دست آورد؛ زیرا:

۱. روایات مورد استناد کسانی که به لزوم رعایت شرایط شهادت در کارشناسی معتقدند، بر ادعای ایشان - که احصای ادله توسط شارع و عدم ذکر رجوع به کارشناس در کلام شارع است - دلالت نداشته و شارع درصدد حصر ادله اثبات دعوا نبوده، بلکه در مقام بیان قدیمی‌ترین و کاربردی‌ترین ادله اثبات دعوی بوده است. به عبارت دیگر، مقصود از بینه در یکی از روایات مورد استناد، بینه به معنای عام؛ یعنی دلیل است نه بینه به معنای خاص یعنی شهادت.

لذا برای کشف حقیقت می‌توان به ادله دیگری غیر از موارد منحصر در روایات نیز استناد جست و کارشناسی نیز به عنوان یک دلیل مستقل می‌تواند مورد استناد قرار گیرد.

۲. ماهیت کارشناسی از شهادت متفاوت است، اما در برخی از موارد که به لحاظ اهمیت موضوع، دلیل خاصی بر رعایت و اعتبار شرایط شهادت در خبره وارد شده است، باید به آن عمل کرد. البته این به معنای حجیت کارشناسی از باب شهادت نیست.

۳. در غیر از مواردی که دلیل خاص وارد شده، قول خبره مورد وثوق را نیز می‌توان پذیرفت؛ چنانچه در ابواب مختلف فقه و نیز حقوق (چه در امور حقوقی و چه کیفری)، قول خبره مورد وثوق مورد استناد قرار می‌گیرد. حتی در برخی از موارد به ظن حاصل از قول اهل خبره (ولو فاسق و کافر) نیز عمل می‌شود. در موارد نیاز، نظر کارشناس غیرمسلمان در دعوای مسلمان حجت است.

۴. در دادرسی، چه در امور کیفری و چه در امور حقوقی، به‌جز مواردی که دلیل خاص (روایت) بر اعتبار شرایط شهادت در کارشناس وجود دارد، رعایت شرایط شاهد در کارشناس شرط نیست. حتی برخلاف نظر اکثر فقها که شرایط شهادت در خبره را در باب دعوای لازم می‌دانند، امروزه در دادگاه‌های حقوقی و کیفری شرایط شهادت در کارشناس رعایت نمی‌شود و وثاقت، تنها شرط لازم و کافی است. حتی در پرونده‌های کیفری که برای تشخیص موضوع به پزشکی قانونی ارجاع می‌گردد و در فقه شرایط شهادت از جمله عدالت و تعدد خبره در آن معتبر است، این شرایط رعایت نمی‌شود. پس ظاهراً می‌توان کارشناسی را به کارشناس زن و حتی در صورت نیاز به غیرمسلمان ارجاع داد و رعایت شرایط شهادت را مطابق با نظر برخی از فقها از باب عمل به احتیاط دانست. البته به نظر می‌رسد در بحث دادرسی و قضاوت لازم است دادگاه‌ها در مواردی که در فقه دلیل خاص بر رعایت شرایط شاهد وجود دارد، هنگام ارجاع به کارشناس، به این شرایط توجه کنند؛ زیرا در بسیاری از موارد رأی دادگاه بر اساس نظر کارشناس صادر می‌شود و بدیهی است که نظارت بیشتر بر صلاحیت کارشناسان امری ضروری است.

۵. در غیر از قضاوت و دادرسی نیز در مواردی که دلیل خاص در عدم پذیرش قول خبره مورد وثوق و اعتبار تعدد و عدالت موجود باشد، باید طبق آن عمل کرد.

## منابع

۱. آذرپور، حمید و حجتی اشرفی، غلامرضا، (۱۳۸۵ش). مجموعه محشای بخشنامه‌های ثبتی، تهران: گنج دانش، چاپ نهم.
۲. آل بحر العلوم، السيد محمدتقی، (۱۳۶۲ش). بلغة الفقيه، تهران: منشورات مكتبة الصادق، چاپ چهارم.
۳. ابن منظور، (۱۴۰۸ق). لسان العرب، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ اول.
۴. ارجمند دانش، جعفر، (۱۳۷۸). ترمینولوژی حقوق جزای اسلامی، [بی‌جا]: اعظم بناب، چاپ اول.
۵. اردبیلی (محقق اردبیلی)، احمد، (۱۴۱۱ق). مجمع الفائدة و البرهان في شرح ارشاد الأذهان، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ اول.
۶. اصفهانی (فاضل هندی)، بهاء‌الدین محمدبن الحسن، (۱۴۱۸ق). كشف اللثام عن قواعد الأحكام، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ اول.
۷. اصفهانی، ابوالحسن، (۱۴۱۹ق). وسيلة الوصول الى حقایق الأصول، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ اول.
۸. انصاری (شیخ انصاری)، مرتضی، (۱۴۱۵ق). كتاب النكاح، قم: المؤتمر العالمي، چاپ اول.
۹. —، (بی‌تا). فرائد الأصول (رسائل)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۱۰. باختر، سید احمد، (۱۳۸۷). مجموعه کامل قوانین و مقررات کارشناسان رسمی دادگستری، اصفهان: چهارباغ، چاپ دوم.
۱۱. باقرپور، یوسف علی، (۱۳۸۲). «کارشناسی امور کیفری در حقوق ایران و فرانسه»، نشریه بصیرت (سال دهم)، شماره ۳۰-۳۱.
۱۲. بحرانی، یوسف (محقق بحرانی). (بی‌تا). الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۱۳. بهرامی، بهرام، (۱۳۸۳). اجرای احکام کیفری، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی نگاه بین، چاپ سوم.
۱۴. تبریزی، جواد، (۱۴۱۶ق). صراط النجاة، قم: دفتر نشر برگزیده، چاپ اول.
۱۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۴). ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چاپ هفتم.
۱۶. —، (بی‌تا). دایرةالمعارف علوم اسلامی قضایی، تهران: گنج دانش.
۱۷. —، (بی‌تا). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران: چاپ دوم.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵  
تابستان ۱۳۹۸

۱۷۸

۱۸. حائری، السید کاظم، (۱۴۱۵ق). القضاء في الفقه الإسلامي، مجمع الفكر الإسلامي.
۱۹. حر عاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۹ق). وسایل الشیعة. قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۲۰. حسن زاده، مهدی، (۱۳۸۴). «رابطه کارشناسی و شهادت در فقه و حقوق»، مجله فقه و حقوق، شماره ۴.
۲۱. حسینی روحانی، سید محمد، (۱۴۱۴ق). منهاج الصالحین، قم: مدینه العلم، چاپ بیست و هشتم.
۲۲. حسینی خامنه‌ای، سید علی، (۱۴۱۵ق). اجوبة الاستفتائات، کویت: دارالنبأ، چاپ اول.
۲۳. حسینی سیستانی، سید علی، (بی تا). تعلیقة علی العروة الوثقی، [بی جا]: [بی نا].
۲۴. حسینی عاملی، سید محمد جواد، (۱۴۲۲ق). مفتاح الكرامة، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ اول.
۲۵. حسینی یزدی فیروزآبادی، مرتضی، (۱۳۸۵-۱۳۸۶). عناية الأصول فی شرح كفاية الأصول، قم: منشورات الفیروزآبادی، چاپ هفتم.
۲۶. حلّی (علامه حلّی). حسن بن یوسف، (۱۴۲۰ق). تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامية، قم: مؤسسة الإمام الصادق علیه السلام، چاپ اول.
۲۷. \_\_\_\_\_، (۱۴۲۰ق). تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، چاپ اول.
۲۸. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۳ق). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ج ۳.
۲۹. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۹ق). قواعد الأحكام، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ اول.
۳۰. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۰ق). نهیة الأحكام فی معرفة الأحكام، قم: مؤسسة اسماعیلیان، چاپ دوم.
۳۱. خراسانی، محمد کاظم، (۱۴۱۵ق). كفاية الأصول، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ سوم.
۳۲. خمینی، سید مصطفی، (۱۳۷۶). تحریر العروة الوثقی، [بی جا]: مؤسسة تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی علیه السلام، چاپ اول.
۳۳. خوانساری، سید احمد، (۱۴۰۵ق). جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، تهران: مکتبه الصدوق، چاپ دوم.
۳۴. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷). لغت نامه، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۳۵. زین الدین، محمد امین، (۱۴۱۳ق). کلمة التقوی، [بی جا]: [بی نا]، چاپ دوم.
۳۶. ساعتچی، حسین، (۱۳۸۵). قانون روابط موجر و مستأجر، تهران: مجد، چاپ پنجم.

بررسی لزوم اعتبار  
شرایط شاهد در  
کارشناس

۳۷. شکاری، روشن علی، (۱۳۸۱). **ادله اثبات کیفری**، تهران: نسل نیکان، چاپ اول.
۳۸. شهری، غلامرضا، (۱۳۸۲). **حقوق ثبت اسناد و املاک**، تهران: جهاد دانشگاهی، چاپ سیزدهم.
۳۹. صدر، سیدمحمدباقر، (بی تا). **الفتاوی الواضحة**، [بی جا]: [بی نا].
۴۰. صدرزاده افشار، سیدمحسن، (۱۳۶۹). **ادله اثبات دعوی در حقوق ایران**، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
۴۱. طباطبایی حکیم، سیدمحسن، (۱۴۰۴ق). **مستمسک العروة الوثقی**، قم: منشورات مکتبه آية الله العظمی المرعشی النجفی.
۴۲. طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم، (۱۴۱۷ق). **العروة الوثقی**، قم: مؤسسه النشر الإسلامي، چاپ اول.
۴۳. طوسی (شیخ طوسی). **ابی جعفر محمد بن الحسن علی، (بی تا). المبسوط فی فقه الإمامیه**، [بی جا]: **المکتبه المرتضویه**.
۴۴. عاملی، زین الدین، [شهیدثانی]، (۱۳۹۸ق). **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، قم: منشورات جامعه النجف الدینیة، چاپ دوم.
۴۵. —. (۱۴۱۳ق). **مسالك الأفهام الی تنقیح شرایع الإسلام**، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، چاپ اول.
۴۶. عمید، حسن، (۱۳۸۱). **فرهنگ عمید**، تهران: امیرکبیر، چاپ هشتم.
۴۷. فاضل لنکرانی، محمد، (۱۳۸۰). **جامع المسائل**، [بی جا]: **امیر اعلم**، چاپ دهم.
۴۸. فتح الله، احمد، (۱۴۱۵ق). **معجم الفاظ فقه الجعفری**، [بی جا]: [بی نا]. چاپ اول.
۴۹. فراهیدی، ابی عبدالرحمن الخلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق). **کتاب العین**، [بی جا]: مؤسسه دارالهجرة، چاپ دوم.
۵۰. فیاض، محمداسحاق، (بی تا). **منهاج الصالحین**، قم: مکتب سماحة آية الله العظمی الشیخ محمداسحاق الفیاض، [بی تا]. چاپ اول.
۵۱. قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، (۱۴۰۶ق). **فقه الرضا**، مشهد: المؤتمر العالمی للإمام الرضا عليه السلام لإحياء التراث، چاپ اول.
۵۲. —. (۱۳۶۲). **الخصال**، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۵۳. قمی، عباس، (بی تا). **الغایة القصوی**، قم: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریة، ج ۱.
۵۴. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵). **اثبات و دلیل اثبات**، تهران: میزان، چاپ سوم.
۵۵. —. (۱۳۸۴). **قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی**، تهران: میزان، چاپ دوازدهم.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵  
تابستان ۱۳۹۸

۱۸۰



۵۶. کاظمی خراسانی، محمدعلی، (۱۴۰۶ق). فوائد الأصول (تقریرات میرزا محمدحسین غروی نائینی). قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ج ۳.
۵۷. کرکی (محقق ثانی)، علی بن الحسین، (۱۴۰۸ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، چاپ اول.
۵۸. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ق). الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۵۹. مجتهد تبریزی، غلام حسین، (بی تا). الأصول الممهذبة (خلاصة الأصول). [بی جا]: [بی نا].
۶۰. مجلسی (علامه مجلسی). محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، [بی جا]: قم: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۶۱. محقق حلّی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن، (۱۴۰۹ق). شرایع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران: استقلال، چاپ دوم.
۶۲. محقق داماد، سیدمصطفی، (۱۳۸۵). بررسی فقهی حقوق خانواده (نکاح و انحلال آن). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ سیزدهم.
۶۳. مروارید، علی اصغر، (۱۴۱۳ق). الینایع الفقهیة، بیروت: دارالتراث و دارالاسلامیة، چاپ اول.
۶۴. معاونت آموزش قوه قضاییه، (۱۳۸۷). رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه کیفری استان، تهران: جنگل، چاپ اول.
۶۵. معین، محمد، (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی، تهران: امیر کبیر، چاپ بیستم.
۶۶. مقرئ قیومی، احمد بن محمد بن علی، (۱۴۰۵ق). المصباح المنیر، قم: مؤسسه دارالهجره، چاپ اول.
۶۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۱۱ق). القواعد الفقهیة، قم: مدرسه الإمام امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ سوم.
۶۸. مکی عاملی (شهید اول). شمس الدین محمد، (۱۴۱۲ق). الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۶۹. منصور، جهانگیر، (۱۳۹۳). آئین دادرسی مدنی، تهران: نشر دوران.
۷۰. \_\_\_\_، (۱۳۹۴). قانون مجازات اسلامی، تهران: نشر دیدار.
۷۱. موسوی بجنوردی، سید محمدحسن بن علی اصغر، (۱۳۷۷). القواعد الفقهیة، قم: الهادی، چاپ اول.

بررسی لزوم اعتبار  
شرایط شاهد در  
کارشناس

۷۲. موسوی خمینی (امام خمینی). سید روح الله، (بی تا). **تحریر الوسیلة**، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ دوم.
۷۳. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، (۱۳۶۹). **أجود التقريرات (تقریرات محقق نائینی)**. قم: مؤسسه مطبوعات دینی، چاپ دوم.
۷۴. —، **تقریر آقای لطفی**، (۱۳۶۴). **کتاب الحج**، قم: چاپ دوم.
۷۵. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا، (بی تا). **مختصر الأحکام**، قم: دارالقرآن الکریم.
۷۶. نجفی، محمدحسن، (۱۳۶۵). **جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام**، تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ دوم.
۷۷. نجفی الاصفهانی، محمدرضا، (۱۴۱۳ق). **وقایة الأذهان**، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، لایحیاء التراث، چاپ اول.
۷۸. نراقی، احمد بن محمد مهدی، (۱۳۷۵). **عوائد الأیام**، قم: مکتب الاعلام الإسلامي، چاپ اول.
۷۹. —، (۱۴۱۵ق). **مستند الشیعه فی احکام الشریعه**، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، لایحیاء التراث، چاپ اول.
۸۰. واعظ حسینی بهسودی، سید محمدرور، (۱۴۱۷ق). **مصباح الأصول (تقریر بحث آیت الله خویی)**، قم: مکتبه الداوری، چاپ پنجم.
۸۱. هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۸۵). **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام**، قم: مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی، چاپ دوم.
۸۲. همدانی، رضا، (بی تا). **مصباح الفقیه**، تهران: مکتبه النجاشی، ج ۲.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵  
تابستان ۱۳۹۸

۱۸۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی